

مترادف و متضاد عربی اول دبیرستان

درس اول

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
عطا کن	أعط	هب	۱.
نا امید نشو	لا تَقْنَطْ	لا تَيْأَسْ	۲.
نزدیک شد	دنا	قَرُبْ	۳.
محکم گردان	أشَدَّدْ	قَوَّ	۴.
دانش	العلم	الحُكْم	۵.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
دنیا ≠ آخرت	الْآخِرَة	الدنیا	۱.
سختی ≠ راحتی	الْيُسْر	العُسْر	۲.
باطل ≠ حق	الحق	الباطل	۳.
بهتر ≠ بدتر	الشَّرَّ	الخير	۴.
رفت(نابود شد) ≠ آمد	جاء	زَهَقَ	۵.
نعمت ها ≠ بلاها	النَّعْم	النَّعْم	۶.
اعضای بیرونی ≠ اعضای درونی	الجوانح	الجوارح	۷.
ستمیدگان ≠ ستمکاران	الظالمين	المظلومين	۸.

درس دوم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
ایا	هل	أ	۱.
برخاست	قامَ	نهَضَ	۲.
دوست	الحبيب	الصدیق	۳.
نمی توانم	لا أستطيع	لا أقدرُ	۴.
خانه	المنزل،الدار	البيت	۵.
راه	الطريق	السبيل	۶.
طرف	قَبْل	جانب	۷.
قرآن	القرآن	الذِّكْر	۸.
سختی	الصعوبة	المشقة	۹.
نگران، آشفته	مُضْطَرِّباً	قَلَقاً	۱۰.
جا، مکان	مکان	مَوْضِع	۱۱.
... را جستجو می کند	يَبْحَثُ عَنْ	يُفْتَسِحُّ عَنْ	۱۲.
افتاد	سَقَطَ	وَقَعَ	۱۳.
مادر	الأم	الوالدة	۱۴.
زد، کوبید	دَقَّ	طَرَقَ	۱۵.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
مخالفت کرد ≠ موافقت کرد	وافق	خالف(ص ۱۹)	۱.
نزدیک ≠ دور	البعيد	القريب	۲.
برخاست ≠ نشست	جلس، قَعَدَ	نهض	۳.
نمی توانم ≠ می توانم	أقدرُ ، أستطيعُ	لا أقدرُ	۴.
آسمان ≠ زمین	الارض	السماء	۵.
پس ≠ پیش	قبل	بعد	۶.
شب ≠ روز	النهار	الليل	۷.
غروب ≠ طلوع	طلوع	غروب	۸.
تکذیب می کند ≠ باور می کند	يُصَدِّقُ	يُكْذِبُ	۹.

غمگین ≠ شادمان	مسروراً ، فَرِحاً	حزیناً	۱۰.
غم ≠ شادی	السُّرور ، الفَرَح	الحُزن	۱۱.
کم ≠ زیاد	کثیر	قلیل	۱۲.
ضعف ≠ قدرت	القدرة ، القُوَّة	الصَّعْف	۱۳.
قوی ≠ ضعیف	ضعیف	قَوِي	۱۴.

### درس سوم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
زیبا ، شیک	جميلة	أنيقة	۱.
خوش آمدید	مرحبا	أهلا وسهلا	۲.
بخشید	أعطى	مَنَحَ	۳.
دانش آموز	الطالب	التلميذ	۴.
دید	رأى	شاهدَ	۵.
خطا کردم	أخطأتُ	إِشْتَبَهْتُ	۶.
باز می گردد	يرجعُ	يَنْقَلِبُ	۷.
سخن می گوید	يَتَكَلَّمُ	يَتَحَدَّثُ	۸.
برخیز	انهض	قُم	۹.
گناهان	الذنوب	السيئات	۱۰.
نمی دانم	لا أعلمُ	لا أدري	۱۱.
فراوان	كثيراً	جزياً	۱۲.
الگو	نموذج، قُدوة	أسوة	۱۳.
آمد	جاءَ	أقبلَ	۱۴.
به گرمی	بحرارة، بِشوقٍ	بحفاوة	۱۵.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
ارزان ≠ گران	الباهظ	الرخيص	۱.
بشارت دهنده ≠ بیم دهنده	النذير	البشير	۲.
بدی ها ≠ خوبی ها	الحسنات	السيئات	۳.
کوچک ≠ بزرگ	الكبير	الصغير	۴.
ستم ≠ عدل و قسط	القسط	الظلم	۵.
به تنهائی ≠ باهم	معا	وحده	۶.
سرکشی کرد ≠ فرمان برد	أطاعَ	إِستكبرَ	۷.

### درس چهارم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
پشت	وراء	خلف	۱.
گناهان	ذنوب	معاصي	۲.
ثروت	المال	الثروه	۳.
یاری - کمک	المساعدة	النَّجدة	۴.
نیست	ليس	لات	۵.
فرستاده شدگان	المرسلين	النبیین	۶.
محرومان، تهیدستان	المساكين	المحرومين	۷.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
کافر ≠ مؤمن - مسلمان	المومن- المسلم	الكافر	۱.
معلوم ≠ ناشناخته	المجهول	المعولم	۲.

المبشّر	۳.	المبشّر	۳.
ابتعد عن	۴.	قُرْبَ مِنْ	۴.
المعروف	۵.	المنكر	۵.
الأمر	۶.	النهي	۶.
المظلومين	۷.	الظالمين	۷.
عَفَوْتُ	۸.	عَاقَبْتُ	۸.
العفو	۹.	المعاقبة (العقاب)	۹.
مملوءة	۱۰.	خالية	۱۰.
		بشارت دهنده ≠ بیم دهنده	
		دور شد ≠ نزدیک شد	
		پسندیده ≠ ناپسند	
		امر ≠ نهی (باز داشتن)	
		ستمديدگان ≠ ستمگران	
		بخشيدی ≠ مجازات كردی	
		بخشش ≠ مجازات	
		پُر ≠ خالی	

### درس پنجم

رديف	كلمه	مترادف	معنى
۱.	الْحُسْنُ	الجمال	زیبائی
۲.	الْخَلِيلُ	الصدیق	دوست
۳.	الثَّوْبُ	القمیص	پیراهن
۴.	السُّوءُ	الشَّرُّ	بدی
۵.	الْفَتَى	الشَّابُّ	جوان
۶.	حينما	عندما	هنگامی که
رديف	كلمه	متضاد	معنى
۱.	الصَّعْبُ	السَّهْلُ	سخت ≠ آسان
۲.	الناقص	الكامل	ناقص ≠ کامل
۳.	دَخَلَ	خَرَجَ	داخل شد ≠ خارج شد
۴.	الصَّغِيرُ	الكبیر	کوچک ≠ بزرگ
۵.	السُّوءُ	الْحُسْنُ	بدی ≠ خوبی
۶.	بَكَى	ضَحِكَ	گریست ≠ خندید
۷.	البُكَاءُ	الضَّحْكُ	گریه ≠ خنده
۸.	يَفْرَحُ	يَحْزُنُ	شاد می شود ≠ غمگین می گردد
۹.	بَنَاتٌ	أَبْنَاءٌ	دختران ≠ پسران

### درس ششم

رديف	كلمه	مترادف	معنى
۱.	حسن	جيد	خوب
۲.	الاعزاز	الاکرام	عزت
۳.	طلبتي	حاجتی	حاجت من
۴.	انصت	سکت	ساکت شد
۵.	السائل	المحروم	درمانده
۶.	الدار	البيت	خانه
۷.	المسير	الطريق	راه
رديف	كلمه	متضاد	معنى
۱.	البرد	الْحَرُّ	سرما ≠ گرما
۲.	الكثير	القليل	زیاد ≠ کم
۳.	الآخر	الاول	آخر (پایان) ≠ اول

### درس هفتم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
پاداش	ثواب	أجر	۱.
می فرستیم	نُرْسِلُ	نَبَعْتُ	۲.
بزرگ	الكبير	العظيم	۳.
صحنه، یک پرده از نمایش	المنظر	المشهد	۴.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
ما را امر می کند ≠ مارامع می کند	يَمْنَعُنَا	يَأْمُرُنَا	۱.
تلاش می کنند ≠ تنبلی می کنند	يَتَكَاسَلُونَ	يَجْتَهِدُونَ	۲.
پاداش ≠ عذاب	العذاب	الثواب	۳.

### درس هشتم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
ظاهر شد	ظَهَرَ	بَرَزَ	۱.
نصیحت کرد	نصح	وعظ	۲.
قرار داد	نَصَبَ	جعل	۳.
مخالفت کرد	خالف	رَفَضَ	۴.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
عاقل ≠ نادان	الجاهل	العاقل	۱.
زیاده روی ≠ کوتاهی	التفريط	الافراط	۲.
رد کرد ≠ قبول کرد	قَبَلَ	رَفَضَ	۳.
تنبلی ≠ کوشش	الاجتهاد	التكاسل	۴.
خراب ، ویران ≠ آباد	المعمورة	الخربة	۵.

### درس نهم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
سختی ها	مشاكل	مصاعب	۱.
تقسیم کرد	قَسَمَ	وزَّعَ	۲.
بهشت	الجنة	النعيم	۳.
ستمگر	الباغية	الطاغية	۴.
دوست	الخليل	الصدیق	۵.
نیکی	الاحسان	البر	۶.
بازگشت	رجع	عاد	۷.
کاروان	الموكب	القافلة	۸.
می بینی	تري - تُشاهد	تُبصر	۹.
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
موفق می شود ≠ شکست می خورد	يفشل	ينجح	۱.
تاریکی ≠ روشنایی	النور	الظلمة	۲.
خوبی ≠ بدی	السيئة	الحسنة	۳.
دور ≠ نزدیک	القريب	البعيد	۴.
راستگو ≠ دروغگو	الكاذب	الصادق	۵.
اصلاح نمودن ≠ فاسد کردن	الإفساد	الإصلاح	۶.
نزدیک شد ≠ دور شد	ابتعد عن	اقترب من	۷.
جهنم ≠ بهشت	النعيم	النار	۸.
آمد ≠ رفت	ذهب	جاء	۹.

## درس دهم

معنی	مترادف	کلمه	ردیف
سیر	الثوم	الفوم	.۱
مرد	الرجل	المرء	.۲
میوه	الفاكهة	الثمرة	.۳
ماده ها	المواد	العناصر	.۴
خرما	التمر	الرُّطْب	.۵
درمان	الشفاء	العلاج	.۶
فایده ها	الفوائد	المنافع	.۷
کودکان	الصبيان	الاطفال	.۸
راهنما	الدليل	الرائد	.۹
معنی	متضاد	کلمه	ردیف
خیس - مرطوب ≠ خشک	اليابس	الرُّطْب	.۱
سلامتی ≠ بیماری	المرض	السلامة، الصِّحَّة	.۲
بی نیاز ≠ تهیدست	الفقير	الغني	.۳
دشمنان ≠ دوستان	الأصدقاء	الأعداء	.۴